



تصویب سند سینما

آخرین جلسه شورای هنر به ریاست محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی روز دوشنبه ۲۲ مردادماه با حضور اعضای آن برگزار شد. مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن اعلام این خبر افزود، در یکصدو هفتمین جلسه شورای هنر «سند سینما» به تصویب اعضا رسید. همچنین علاوه بر تصویب این سند، آن چه «سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر بازار هنرهای تجسمی» خوانده شده است نیز توسط اعضا بررسی شد و به تصویب رسید. همچنین مقرر شد محمدحسین ایمانی خوشخو در نشست خبری، عملکرد شورای هنر در دوره اخیر را تبیین کند. همچنین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن تصویب سند سینما و ضوابط حاکم بر بازار هنرهای تجسمی در آخرین جلسه شورای هنر، گفت: «به دلیل تبعات شفاف نبودن چارچوب‌های فرهنگی، هنری و مشکلات فراوانی که برای اصحاب فرهنگ و هنر ایجاد شده بود، تدوین اسناد مختلف را در دستور کار قرار دادیم.»



«جوکر» حریف «ددپول و ولورین» نشد

فیلم «ددپول و ولورین» با فروشی بالغ بر یک میلیارد دلار در گیشه سینما به زودی با عبور از «جوکر»، پر فروش‌ترین فیلم تاریخ سینما با درجه سنی «R» نام خواهد گرفت. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، فیلم «ددپول و ولورین» با بازی رایان رینولدز و هیو جکمن و کارگردانی شان لوی، با رساندن فروش جهانی خود به ۱/۰۲۹ میلیارد دلار، وارد باشگاه میلیاردی سینما شد. این رقم شامل فروش ۴۹۴/۳ میلیون دلاری در آمریکا و ۵۳۵/۲ میلیون دلار در دیگر کشورها می‌شود. علاوه بر این «ددپول و ولورین» تنها چندروز دیگر با پشت سر گذاشتن فیلم «جوکر»، ساخته تاد فیلیپس (۱/۰۷۹ میلیارد دلار) و تبدیل شدن به پر فروش‌ترین فیلم با رتبه «R» تمام ادوار سینمای جهان فاصله دارد. این فیلم هم‌اکنون و پس از پشت سر گذاشتن «اوپن‌هایمر» در رتبه دوم پر فروش‌ترین فیلم‌ها با این درجه نمایشی در سطح جهانی قرار دارد. پیش‌بینی می‌شود مجموع فروش جهانی فیلم «ددپول و ولورین» به رقمی بین ۱/۲ تا ۱/۳ میلیارد دلار برسد.



وعده‌های دیگر در مورد تئاتر شهر

دفتر رسانه اداره کل هنرهای نمایشی اعلام کرده است دستفروشان که در پیاده‌راه کناری تئاتر شهر مستقر هستند، به جایی دیگر منتقل می‌شوند. این خبر در حالی از سوی حمید نیلی، مدیرکل هنرهای نمایشی و سرپرست مجموعه تئاتر شهر اعلام شده است که پیش از این بارها و بارها وعده‌های متعددی با ادبیات گوناگون در این مورد داده شده است. نیلی ابراز امیدواری کرده است که از یکشنبه ۲۱ مردادماه دیگر شاهد حضور دستفروشان در اطراف تئاتر شهر نباشیم، چرا که با تداوم استانداردهای همکاری و فرمانداری و شهرداری تهران دستفروشان عزیز به مکان درخورشان در نزدیکی چهارراه ولیعصر منتقل می‌شوند. «بحث انتقال دستفروشان از پیاده‌راه کناری تئاتر شهر به مکانی دیگر، مدت‌هاست که مطرح و هربار ابراز امیدواری می‌شود در شرایط اقتصادی دشوار فعلی، ضمن این که خللی در کسب‌وکار دستفروشان ایجاد نشود، محیط مجموعه تئاتر شهر هم قدری سروسامان پیدا کند. آمیدی که مشخص نیست چه زمانی تبدیل به واقعیت خواهد شد.

در میانه ناسیونالیسم و جهان‌وطنی

المپیک جلوه‌ای از درهم تنیدگی هنر، ورزش و سیاست در جهان مدرن است



پینگ‌پنگ را بهانه کردند. در مارس ۱۹۷۱ چینی‌ها که در جریان مذاکرات صلح ویتنام گفت‌وگوهایی را با آمریکایی‌ها شروع کرده بودند، تیم‌های پینگ‌پنگ آمریکا را به پکن دعوت کردند. در این تیم تعدادی از دیپلمات‌ها نیز حضور داشتند که مخفیانه با مقامات چینی گفت‌وگو کردند. این مذاکرات سرانجام به سفر پنهانی هنری کیسینجر، مشاور امنیت ملی دولت ریچارد نیکسون به پکن در ژوئیه سال ۱۹۷۱ انجامید.

خودبیانگری انسان مدرن

این مقوله را باید در کنار یکی دیگر از مهمترین روندهای روبه گسترش در جهان جدید مورد توجه قرار داد و آن چیزی است که از آن به «خودبیانگری» تعبیر می‌شود. انسان مدرن، سوزه‌ای خودبیانگر است و مدام می‌کوشد در عین عضویت در جامعه، تفرّد و استقلال و خودآیینی خویش را به منصفه ظهور برساند. خودآیینی بدان معنا که در اندیشه کانت و بسیاری از فلاسفه عصر روشنگری بدین سو اهمیتی اساسی در تعریف انسان پیدا کرده است، نزد اندیشمندان سیاسی‌اخبارگرا و بیست‌مدرن مورد نقادی قرار گرفت، اما حتی در این نقدها نیز آنچه محوریت پیدا می‌کرد، نه خودبیانگری که تبعیت فرد از منطق‌ها و اتوریته‌های بیرونی بود. در این معنا، نه حقیقتی واحد وجود دارد و نه به تبع آن لزومی دارد که افراد تحت قواعد اخلاقی وفکری یکسان زندگی کنند. بدین ترتیب تکثر و تفاوت در آدمیان، امری طبیعی و بدیهی است، بنابراین دنیای هر انسانی در وهله اول، دنیایی خصوصی است که بنا به سلاقی و علایق و پیش‌فرض‌های متفاوت، افراد می‌توانند در بخش‌هایی از آن با دیگران در زیست‌جمعی شریک شوند. این شراکت در زیست‌جمعی برای نمونه در فلسفه یورگن هابرماس به اولویت «خرد ارتباطی» در برابر «خرد ابزاری» منجر می‌شود و این نتیجه اساسی رادر پی دارد که باید تفاوت‌های آدمیان بر اساس رفتاری صادقانه و مبتنی بر پذیرش برخی رویه‌های مشترک، دیده و شنیده شود، سپس از طریق فرآیندی گفت‌وگویی به راه‌هایی مشترک و خیر عمومی بیانجامد. اگر از منظر خودبیانگری به مسئله دوران مدرن و پدیدارهایی چون «اسینما» و «ورزش» بنگریم، آنگاه چرایی در هم‌تنیدگی ورزش با رسانه نیز دریافت می‌شود. امروزه کنش بسیاری از قهرمانان ورزشی در میادین جهانی چنان ستاره‌های سینمایی با تازاب بین‌المللی پیدا می‌کند و از این منظر رقابت‌های جهانی چنان المپیک، همان نقشی را در معرفی قهرمانان ورزشی پیدایم‌کنند که جوایزی چون اسکار و کن در شناسایی ستاره‌های سینمایی دارد.

مهم شرکت کردن است

باتوجه به این نکات مقدماتی اینک می‌توان المپیک را آوردگاهی چندجانبه دانست: رقابت‌هایی که در آنها ورزش با هنر و سیاست پیوند می‌خورد و در آن جلوه‌هایی متنوع از اوقات فراغت، ورزش حرفه‌ای، دیپلماسی ورزشی، سیاست‌های هویتی و ملی، جهان‌وطنی، ارتباطات بیت‌المللی، نوع نگرش به مسائل زنان و... دیده می‌شود. برای نمونه کافی است به مناقشه‌هایی که پیرامون نمایش‌های افتتاحیه المپیک پاریس در گرفت، توجه شود. در این افتتاحیه از سوی کوشش فرانسه به عنوان طلایه‌دار عصر روشنگری برای نمایش هویت گفتمانی مدرن و متناسب با تحولات گسترده جهانی دیده شد و از سوی دیگر بسیاری از منتقدان نیز در نقدهای خود در عمل به بسیاری از این باورهای ریشه‌دار مدرن و روشنگری حمله بردند. غرض اینکه امروزه مقوله المپیک صرفاً رویدادی ورزشی نیست و در آن هر ورزشکاری و هر کشوری می‌کوشد نقش خود را

کلاسیک درباره تضاد طبقاتی آشتی ناپذیر طبقات بورژوا و پرولتاریا، نادرست از آب درآمد و بعدتر یکی از مضامین عمده در مارکسیسم انتقادی، از قضا، تکیه بر تغییر سوزده انقلابی شد. در این وضعیت نوین، از نظر بسیاری از نمارکسیست‌ها نظیر هربرت مارکوزه، دیگر نمی‌توان کارگران در جهان صنعتی و سرمایه‌داری را نیرویی انقلابی تصور کرد بلکه آنها به کارمندانی یقه‌های بدل شده‌اند که به واسطه بهبود شرایط کار و معیشت، همراه زیست مصرفی سرمایه‌دارانه شده‌اند. حمایت و دل‌بستگی مارکوزه به جنبش‌های دانشجویی دهه ۱۹۶۰ از همین تحلیل نشأت می‌گرفت.

اهمیت اوقات فراغت

به هر روی امروزه «اوقات فراغت» (Leisure) و نحوه مدیریت و مهندسی آن از جوامع، به یکی از اصلی‌ترین مقوله‌های سازماندهی اجتماعی بدل شده است و از همین منظر حتی رده‌بندی‌های سنی افراد نیز تحت‌تأثیر قرار گرفته است. در این وضعیت نوین، پدیدارهایی نظیر کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و پیری از یکدیگر تفکیک می‌شوند به خصوص پرکردن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان از جمله مهمترین دستورات کارهای دولت‌ها محسوب می‌شود و سازمان‌های مردم‌نهاد متنوعی نیز خود را دالمشغول این امر می‌کنند. در این میان بدون تردید، یکی از مهمترین و اصلی‌ترین حوزه‌های مورد نظر جوامع که باید آنها را ابداعات مدرن نامید، «سینما» و «ورزش» هستند و سرمایه‌گذاری روی این پدیدارها برای سوق دادن جوانان به سمت فعالیت‌های ورزشی و هنری از جمله استراتژی‌های عمده به حساب می‌آید. در کنار این، امروزه ورزش فراتر از غنی‌سازی اوقات فراغت، کارکردهای ملی و بین‌المللی عمده‌ای نیز ایفا می‌کند. در سطح ملی شاید اشاره‌ای به تجربه موفق ایسلند در غلبه بر ناهنجاری‌های اجتماعی به کمک ورزش، به اندازه کافی گویا باشد. اگر کسی ۳۰ سال پیش به جوانان ایسلندی نگاهی می‌انداخت، باتوجه به مصرف گسترده مواد مخدر، الکل و دخانیات، حق داشت که آنها را ناسالم‌ترین جوانان اروپا بداند. امروز اما چنین قضایاتی اصلاً در کار نخواهد بود زیرا در دوده‌های اخیر دولت ایسلند موفق شد با ورزش و هنر به شکلی حیرت‌انگیز مصرف الکل و مواد مخدر را در این کشور کاهش بدهد. ایسلندی‌ها از خود پرسیدند اگر جوانان می‌توانند به هروئین معتاد شوند، چرا به ورزش و هنر اعتیاد پیدا نکنند؟

دیپلماسی ورزشی

در سطح بین‌المللی نیز ورزش باعث همگرایی‌های گسترده میان جوامع شده و چنان پلی ارتباطی میان فرهنگ‌ها و ملل مختلف زمینه‌ساز تقویت گفت‌وگوهای منطقه‌ای و بین‌المللی شده است. اهمیت ورزش در این زمینه چنان انکارناپذیر است که امروزه اصطلاح «دیپلماسی ورزشی» به اصطلاحی روزمره در رسانه‌ها بدل شده است. باز در این زمینه شاید اشاره به یکی از نخستین موارد کاربرد ورزش در بهبود روابط خارجی نشان بدهد که چگونه ورزش می‌تواند فراتر از مرزبندی‌های قدرتمند ایدئولوژیک عمل کند. منظور «دیپلماسی پینگ‌پنگ» است که به گفت‌وگوهای پنهانی ایالات متحده آمریکا و چین در اواسط دهه ۱۹۷۰ اطلاق می‌شود. در آن زمان دو کشور هنوز روابط سیاسی با یکدیگر نداشتند و برای انجام مذاکرات برگزاری یک تورنمنت

اندیشه ورزش



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

بنا پایان رقابت‌های المپیک ۲۰۲۴ پاریس و بحث‌هایی که در این رقابت‌ها درباره نمایش‌های افتتاحیه، حضور ورزشکاران در تیم‌های ملی دیگر کشورها یا تیم پناهندگان، اختلافات درباره جنسیت برخی از ورزشکاران و... درگرفت، اینک می‌توان ارزیابی کلی‌تری از این رخداد بزرگ در بستر مناسبات تمدنی و جهانی به دست داد. در این ارزیابی، در هم‌پیوستگی ورزش با هنر و سیاست از اهمیت خاصی برخوردار است. در ادامه این نوشته تلاش می‌کنم نشان بدهم چگونه ورزش در جهان جدید از اهمیتی اساسی برخوردار شده و از امری تفننی و فردی به مقوله‌ای جدی و ملی بدل شده است. از این نیز بحث می‌شود که تنش میان ناسیونالیسم و جهان‌وطنی چگونه در هر پدیداری در جهان معاصر خود را آشکار می‌سازد.

سینما و ورزش، عناصر معنا ساز جهان مدرن

بیراه نیست اگر «سینما» و «ورزش» را از مهمترین عناصر معنا ساز جهان مدرن بدانیم؛ پدیدارهایی که در آنها جلوه‌هایی عینی از زیست آدمی در زمانه حاضر بر آفتاب افکنده می‌شود و بدون آنها گویی این جهان چیزهایی بنیادی کم دارد. یکی از ویژگی‌ها یا لاف‌های یکی از آرمان‌های عمده جهان مدرن، شکل‌گیری وضعیتی است که عموم انسان‌ها در آن، اختیار بیشتری بر ساعات زندگی خود داشته باشند؛ امری که از جمله پیامدهای انقلاب صنعتی بود و بعدتر خود را در مطالباتی چون کاهش ساعات کار نمایان ساخت. در جهان باستان فقط معدودی از اشراف از این امتیاز برخوردار بودند. همین فراغت این اقلیت ممتاز در جهان باستان بود که مناسباتی تمدن‌ساز را رقم زد و باعث پرورش هنر، کشف علوم، نوشته‌شدن کتاب، بنیان‌نهادن حکمت و فلسفه و اصلاح مناسبات اجتماعی را رقم زد. به همین دلیل است که برتراند راسل می‌نویسد: «بشر بدون طبقه بر خود را از فراغت هرگز از بربریت بیرون نمی‌آمد.» باز در دوران مدرن یکی از خواسته‌هایی که به‌طور ویژه نسبتی خاص با زمان کار پیدا می‌کرد، در دوران انقلاب صنعتی که بسیاری سال ۱۸۲۰ را نقطه آغازین آن می‌دانند، نمودار شد. در این دوران علاوه بر مردان، زنان و کودکان نیز ساعاتی طولانی به کار در کارخانه‌ها مشغول بودند. تصویری انتقادی که برای نمونه در آثار نویسندگانی چون چارلز دیکنز وجود دارد، بیانگر دغدغه مصلحان اجتماعی به تعدیل شرایط کار طاقت‌فرسای آدمیست. این امر البته با عیان شدن آثار مثبت انقلاب صنعتی که منجر به تولید ثروت می‌شد، در کنار پیشرفت‌های روزافزون تکنولوژیک در حوزه ابزار تولید، به تعدیل‌های سرمایه‌دارانه در وضعیت قشر عظیمی از کارگران جهان شد؛ چنانچه حتی بسیاری از نقادان‌های مارکسیسم